

ره آغاز حکمت

یادداشت‌های روزانه میرزا علی‌اصغر خان حکمت شیرازی
(از ماه صفر سال ۱۳۲۶ هجری قمری، تا پایان ذی‌الحجه سال ۱۳۲۹ هجری قمری)
[از اسفند ۱۲۸۷ شمسی تا پایان آذر ۱۲۹۰ شمسی]
بخش نخست

به اهتمام دکتر سید محمد دبیرسیاقی



انشارات خبثه

۱۳۸۴

حکمت، علی‌اصغر، ۱۲۷۱-۱۳۵۹.
ره‌آغاز حکمت: یادداشت‌های روزانه میرزا علی‌اصغر خان حکمت شیرازی / به اهتمام
محمد دبیرسیاقی. - تهران: خبسته، ۱۳۸۳-۱۳۸۲ [ج. ۱، ۱۳۸۲]
ج. ۲. - (زندگی‌نامه؛ ۲)

ISBN 964-6233-64-3: (دوره)

ISBN 964-6233-65-1: (ج. ۱)

ISBN 964-6233-66-X: (ج. ۲)

کتابنامه.

نمایه.

مقدّمات: ج. ۱. از ماه صفر سال ۱۳۲۶ هجری قمری، تا پایان ذی‌الحجه سال ۱۳۲۹
هجری قمری. - ج. ۲. از آغاز محرم ۱۳۳۰ تا رجب ۱۳۳۱ هجری قمری.

۱. حکمت، علی‌اصغر، ۱۲۷۱-۱۳۵۹ - یادداشت‌ها. الف. دبیرسیاقی، محمد، ۱۲۹۸-
گرددآورنده. ب. عنوان، ج. عنوان: یادداشت‌های روزانه میرزا علی‌اصغر خان حکمت شیرازی.
د. عنوان: ره‌آغاز حکمت (بخش اول).

۹۵۵/۰۸۲۰۲۲

DSR ۱۲۸۶ ح ۸۲۱۳

۱۳۸۳

۸۳۳-۳۴۷۱۷

کتابخانه ملی ایران



انشارات خبسته

ره‌آغاز حکمت

یادداشت‌های روزانه میرزا علی‌اصغر خان حکمت شیرازی

(از ماه صفر سال ۱۳۲۶ هجری قمری، تا پایان ذی‌الحجه سال ۱۳۲۹ هجری قمری)

[از اسفند ۱۲۸۷ شمسی تا پایان آذر ۱۲۹۰ شمسی]

بخش نخست

به اهتمام دکتر سید محمد دبیرسیاقی

چاپ نیک‌چاپ

شمارگان: هزار و پنجاه نسخه

چاپ اول: ۱۳۸۴

ارزش: ۷,۵۰۰ تومان

ناظر فنی چاپ: جعفر یکرنگیان

نشانی: خیابان انقلاب، مقابل دبیرخانه دانشگاه تهران، بازارچه کتاب
تلفن ۶۶۴۶۰۲۸۳، فاکس ۶۶۹۵۹۹۲۳، صندوق پستی: ۱۳۱۲۵-۵۹۹

پیشگفتار

به نام روشنائی بخش بینش که روشن چشم ازو گشت آفرینش

سپاسگزار درگاه خداوندی هستم که جان را حکمت آموخت و دیده را به نور معرفت روشن ساخت و مرا توفیق عنایت فرمود تا به دنبال طبع و نشر دو مجلد شرح سفرهای داخل و خارج کشور با نام رهاورد حکمت و دو مجلد یادداشتهای روزانه سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۶ هجری قمری (۱۲۹۲ تا ۱۲۹۶ شمسی) با نام رهاورد آموز حکمت، دو مجلد دیگر با نام رهاورد آغاز حکمت مربوط به سالهای ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۲ هجری قمری (۱۲۸۶ تا ۱۲۹۲ شمسی) یعنی نخستین یادداشتهای روزانه شادروان میرزا علی اصغر خان حکمت شیرازی را بیرون نویس و طبع و نشر نمایم.

این یادداشتهای روزانه مربوط به دوران نوجوانی و روزگار دانش آموزی ایشان در مدارس جدید و مکاتب قدیم شیرازست، همراه با فعالیتهای مطالعاتی ادبی - اجتماعی، از تحریر مقالات و تشکیل انجمنها و حضور در محافل دینی و نشست و خاست با بزرگان علم و ادب و هنر و عالمان دین و مدیران دستگاههای اجرایی زمان و همدمی با همالان و مطالعه کتابهای سودمند و آموزنده تاریخی و ادبی و اجتماعی و داستانی بسیار و اهتمام به فراهم آوردن کتابها و مجلات و روزنامه های داخلی و خارجی و تعلیم گرفتن برخی فنون، چون مسمریزم (خواب کردن اشخاص) و برنامه ریزی برای این امور با تقسیم ساعات شبانه روز به ساعات و دقائق مختص کارهای معین و مداومت بر رعایت آن تقسیمات و تعیین مجازات تخلف احتمالی از آنها با «روزه گرفتن» یا «تحمل ضربات تازیانه کردن» و نیز اندیشیدن به یافتن راههای سودمند برای اصلاح حال افراد جامعه و روشن ساختن ذهن آنان، تا به حقوق و وظایف ملی و دینی خود آشنا شوند و در پی خدمت به همونوع برآیند و برای تحقق این منظور از صرف وقت و مال و تحمل سختیها تا حد تبعید شدن به نقاط دوردست و کشیدن ناملاایمات چنان سفر ناخواسته دریغ نورزیدن، اینهمه مسائل و

اموریست که در اقران و امثال ایشان خاصه در سنین شانزده تا بیست و دو سالگی کمتر دیده شده است.

رعایت نظم و ترتیب در تمام شؤون زندگی و مراعات حال دیگران و مقید به انجام دادن وظایف محوله بودن در هر شغل و عمل و سنجیدن امور پیش از اقدام، داشتن عفت کلام و شرم حضور و استمرار در مطالعه، و تحریر منظم این یادداشتها، و شعرخوانی و پیاده‌روی همه روزه، چنان ملکه ذهنی او شده بود که تا پایان عمر از آن صراط مستقیم عدول نمی‌نشد.

بیگمان آینده‌نگری و درست‌اندیشی و نظم و ترتیب آن مرحوم در تمامی کارها و حالها و رفتارها و گفتارها و سودمند و عام‌المنفعه بودن خدمات فرهنگی و اجتماعی ایشان در طول عمر پایه و مایه در همین دوران نوجوانی دارد و شاهد این مدعا همین یادداشت‌های روزانه کافی است و نیازی به اقامه دلیل و برهان دیگر ندارد.

با همین نظم و ژرف‌اندیشی است که در دوران تحصیل در کالج آمریکائی تهران به تشکیل دادن انجمن فردوسی برای ایراد سخنرانیهای مفید ماهانه و نیز تأسیس مجله توفیق یافته است و هم مایه‌داری او از مطالعه کتب بسیار، جز کتب درسی، سبب گردیده تا ضمن تحصیل در دوره دوم متوسطه، تدریس فارسی کلاسهای دوره اول همان کالج را برعهده گیرد و درس خصوصی نیز به برخی دانش‌آموزان همان مدرسه بدهد و به نوعی موجب رونق آن مؤسسه فرهنگی گردد، نه آنکه محیط کالج و معلمان آن، چنانکه برخی به غرض یا از روی بی‌اطلاعی متذکر گردیده‌اند مؤثر در کارکرد ایشان شده باشد.

نوشتن مقالات سودمند و ترجمه از مقالات آموزنده خارجی برای درج در روزنامه و مجلات پایتخت چون روزنامه نوبهار (به مدیریت ملک‌الشعراء بهار) و روزنامه رعد (به مدیریت سید ضیاءالدین طباطبائی) و مجله بهار (به مدیریت یوسف اعتصام‌الملک) و نشست و خاست با دانشمردان عصر چون مرحومان

دهخدا و میرزا احمد خان اشتری و میرزا طاهر خراسانی و شاعران نامی چون کمالی و ملک الشعراء بهار و مترجمان و نویسندگان زبردست چون اعتصام الملک و عباس اقبال آشتیانی و نخجوانی و آنانکه بعدها شاخص شدند و پیمودن مدارج تحصیلی دوره دوم متوسطه در مدتی کمتر از مدت معمول سه ساله (در دو سال) همه ریشه در تجارب و اندوخته‌ها و آموخته‌های دوران شیراز دارد. ستون و لاد این بناهای استوار فرهنگی و اجتماعی بر آن پایه و بناد متین نهاده شده است. که همه نشان‌دهنده آنست که این دانشمرد جهانبین تأثیرات مهم ارتباطی میان ایران‌شناسان ایران و جهان داشته است.

در پیشگفتار مفصل مجلد اول ره آورد حکمت از خود و نیز از نوشته مرحوم حکمت درباره خانواده و مناصب و مشاغل دیوانی چون وزارت فرهنگ و کشور و بهداری و دادگستری و امور خارجه و سفارت کبرای هند و تایلند و مشاغل افتخاری عام‌المنفعه چون نیابت ریاست جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران و ریاست هیئت مدیره انجمن آثار ملی و ریاست یونسکو و نیز استادی دانشگاه و آثار قلمی ایشان در تألیف و ترجمه و اقدامات فرهنگی و اجتماعی از بنیاد نهادن بنای دانشگاه تهران و تأسیس موزه‌ها و ورزشگاه‌ها و بناهای یادبود و تعمیر مقابر بزرگان علم و ادب و ایجاد مؤسسات علمی و فرهنگی و کلینیکی و برپاداشتن کنگره‌ها، چون کنگره فردوسی و ابن سینا و خواجه نصیر طوسی و نشر مجموعه خطابه‌های آن دو مجلس، بتفصیل و در حد مستوفی سخن گفته‌ایم. خوانندگان گرامی را به مطالعه آن پیشگفتار سفارش می‌کنیم.

و نیز در پیشگفتار مختصر مجلد اول ره آموز حکمت متذکر این دو بیت سعدی شیراز شدیم که:

مرد هنرمند خرد پیشه را	عمر دو بایستی در روزگار
تا به یکی تجربه آموختی	با دگری تجربه بردی به کار

و نو میدی سخن گستر سیستان، فرخی را هم یادآور گشتیم که گفت: «عمر دوباره

نداده‌اند کسی را» و افزودیم که هرچند شادروان حکمت مانند دیگر فرزندانِ آدم به ظاهر عمر دوباره نیافته است، اما از موهبت الهی و نیت خیر و استعداد ذاتی و نظم فکری و مداومت در مراعات نظامات برنامه زندگی، از نوجوانی تا پایان دوران تحصیل از راه مطالعه وسیع کتب متنوع و سودمند و نشست و خاست با بزرگان علم و ادب و هنر و سیاست و ایجاد نظم و ترتیب خاص در امور زندگی و امرِ معاش و پایبندی دائم به اصول مورد اعتقاد خود در همه عمر، سبب شد تا آن مایه تجارب و معلومات کسب کند و آگاهانه بدان اندوخته‌ها و آموخته‌های با ارج جامه عمل بپوشاند، تا رفتار و کردار دوره پس از فراغت از تحصیل و پرداختن به زندگی اجتماعی و تشکیل خانواده و خدمات فرهنگی و پرورش مستعدان و بال و پر دادن به صاحبان ذوق و استعدادهای خداداد را عمر دوباره خود سازد، و اثرات آن را به صورت خدمات گوناگون فرهنگی و اجتماعی که بر شمردیم مایه پیشرفت معنوی هم‌میهنان قرار دهد و از نیکنامی جاوید بهره‌ور گردد.

اینک با انتشار دادن این یادداشتها و مجلدات دیگر در دست طبع، مؤیدی بر دوباره داشتن عمر پُربرکت و توأم با نیکنامی او داریم و به راستی معتقدیم که همه کارهای صواب و خدمات ارزنده و سودمند او و این یادداشتهای آموزنده، که به مسائل فرهنگی و اجتماعی و علمی و ادبی بارور است، جز عمر دوباره برای او نام دیگری نمی‌تواند داشته باشد.

نقل آنچه ایشان در آغاز دفتر یادداشت‌های سال ۱۳۲۸ هجری قمری نوشته‌اند ما را در مصیب بودن نظری که ابراز کرده‌ایم یاری می‌بخشد:

«امروز که شروع به نوشتن این روزنامه سنه ۱۳۲۸ می‌نمایم روز پنجاهمین غرة محرم الحرام سنه ۱۳۲۸ هجری قمری و ۲۱ برج جدی تخاقوی ثیل سنه ۱۲۸۸ هجری شمسی و ۱۳ جنوری سنه ۱۹۱۰ مسیحی و ۲۹ دی ماه سنه ۸۳۱ جلالی و ۳۱ شهریور ماه ۱۲۷۹ یزدگردی و ۲۱ کانون الاول رومی است، هفده سال و سه ماه و شش روز از عمر من گذشته است. از ربیع الاول سنه ۱۳۲۶ شروع به نوشتن روزنامه اعمال خود

نموده‌ام و مجموعه احوالات و انتقالات خیریت دلالات خود را در دفاتر علی حده نگاشته و ضبط نموده‌ام، از خداوند متعال و پروردگار بزرگ درخواست می‌کنم که اگر عمر باقیست مرا موفق به اعمال خیریه و اخلاق حسنه دارد و از اعمال نکوهیده و خصایص ذمیمه باز دارد، و اگر موت من نزدیکست، موتی نیکو و با شرف به من ارزانی فرماید و مرا محبوب پدر و مادر قرار دهد. محبت خود و خانواده بویژه باب و مام و وطن را از دل من باز نگیرد. امیدوارم که بواسطه سرپرستی پدر محترم و بزرگوارم دوره تحصیلات خود را با فایده کلیه تمام نمایم و علم و اطلاع خود را برای ابنای وطن ارمغان برم و از والدۀ مکرمه رجامندم که به اخلاق حسنه‌ام تربیت کند و از اخلاق ذمیمه فاسده باز دارد و به نوعی که مستحق آن باشم که نام خانواده و فامیل سید علی خان کبیر بر من باشد^۱.

اینجا در صدد بودم از کتابهایی که آن شادروان در دوران نوجوانی و جوانی در شیراز و تهران خوانده است، جز کتب درسی، فهرستی تهیه کنم. اما هنگامیکه تنها از فهرست مجلد اول «ره آموز حکمت» به عنوان نمونه، آن کتابها را بیرون نویس کردم، به حدود یکصد و سی بالغ گردید و دانستم که بی شک با آنچه در مجلد دوم همین کتاب و نیز در دو مجلد «ره آغاز حکمت» هست، شمار آنها به دو برابر خواهد رسید و نقل تمام آنها مایه تضییع وقت خوانندگان گرامی خواهد گشت، لذا از آن چشم پوشیدم. خوانندگان عزیز با یک نگاه به فهرست پایانی هریک از این مجلدات در خواهند یافت که شمار کتابهای مورد مطالعه ایشان چه تعداد بوده و چه اندازه مایه تجربی و علمی و عملی از آنها اندوخته خاطر کرده‌اند.

از بر کردن ثلث قرآن کریم و انس داشتن با صحیفه سجاده و نیز به خاطر سپردن دو باب آخر گلستان سعدی و به کار بردن ابیاتی از اشعار عربی شاعران ایرانی و عرب و آوردن ابیاتی فارسی از شاعران فارسی خاصه از خواجۀ شیراز حافظ و شیخ اجل سعدی، در خلال نوشته‌های خود و تضمین کردن بسیاری از مصرعها و ابیات

با کلماتی از این دو شاعر بلند آوازه فارس، هنر دیگر آن شادروان و دلیل توجه عمیق او به آثار بزرگان ادب فارسی است.

توجه به تعداد مقالات اجتماعی و لوایح وطنی، حتی شبنامه‌ها که با قصد بیدارسازی اذهان عامه و نشان دادن راه شناخت نعمت آزادی و زیستن به آزادگی و نمودن مفاسد استبداد و ستمگری عمال نوشته‌اند، خوانندگان گرامی را بیش از پیش می‌تواند به شناخت مقام والای فرهنگی نویسنده یادداشتها برساند.

اینجا به اختصار آنچه را که به نظر نگارنده رسیده است یادآور می‌گردد و به عنوان مقدمه متذکر می‌شود که نویسنده این یادداشتها گذشته از آنچه بیان گردید خصوصیتی منحصر به خود دارد و آن اینکه مؤلفان کتب اخلاقی که مستقلاً کتاب اخلاق نوشته‌اند و یا نصایح و اندرزهای سودمند و راهگشا که شاعران و نویسندگان بلند مقام ما در خلال نظم و نثر خود آورده‌اند، غالباً خواسته‌اند که مخاطبان آنان، یا خوانندگان آثارشان آن نصایح را آویزه گوش سازند و بدانها عمل کنند تا سعادت‌مند گردند و به شاهراه نیکنامی هدایت شوند. اما شاید کمتر توان یافت افراد یا مواردی را که نویسنده یا شاعر روی اندرزش با خودش و مخاطب نصایحش خویشتن خویش باشد.

منظور این نیست که هیچکس چنین نکرده است، اما غلبه با آنانست که دیگران را در نظر داشته‌اند، در حالیکه این قبا به قامت رسای شادروان حکمت راست‌تر آمده است و برازنده‌تر که او در بیشتر احوال، با قصد و نیت صادق، خود را طرف خطاب ساخته و اصلاح حال خود را خواسته و پیمودن صراط مستقیم انسانیت و ادب و راستی و امانت و دیگر صفات پسندیده را از خود طلبیده و عدول از هر مورد را نیز سزاوار تنبیه «روژه داشتن و یا تازیانه بر اندام خود زدن، به نسبت خطا و درجه عدول از نهج صواب» دانسته است. کتابچه «دستور حیات» که به دنبال همین پیشگفتار نقل می‌شود مؤید صحت این نظر است.

بدیهی است مراد آن نیست که نویسنده فرشته‌ایست مبرا از هر عیب و نقص و

بری از هر لغزش و خطا، چه او نیز فردی از افراد بشر است و به قول عوام «شیر خام خورده» خاصه در دوران خدمات دیوانی که چنانکه افتد و دانی تنگناها و مضایق و افتادنهائی گاه اجباری و به غیر اختیاری دارد که فرد را گریزی و گزیری از آنها نمی ماند، بلکه مراد آگاهی او و آگاهانه پرهیز داشتن او از لغزشهاست و ضمانت اجرا قرار دادن برای هفوات و خطاهای خود.

انشاء روان و سخن گفتن در حد لزوم، یعنی پرهیز از اطباب ممل و ایجاز مخل و ذکر جزئیات امور از ملایم و ناملایم و عفت کلام و احترام به اهل علم و علما و حق شناسی نسبت به آنان که به نحوی محبتی یا خدمتی در حق او کرده اند و اقرار به اشتباه در مسائلی و عذرخواه آن گشتن، از خصوصیات دیگر نویسنده این یادداشتهاست.

در برنامه زندگی مرحوم حکمت چند اصل در طول حیات ثبات و دوام داشته است:

سحرخیزی برای ادای تکالیف مذهبی و غالباً تحریر و مطالعه.
پیاده روی غالب روزها در فرصتهای مناسب.
نوشتن یادداشتهای روزانه در سحرگاهان، یا شبانگاه پیش از خفتن و نیز در صورت به تأخیر افتادن، در فرصتهای مناسب.
خواندن اشعار، غالباً با یکی از دوستان خاصه از دیوان خواجه حافظ.
تقسیم اوقات شبانه روز و اختصاص دادن هر امری به زمان معین خود.
تهیه برنامه در آغاز هر ماه برای خود (در هنگام تحصیل) و اختصاص دادن ساعات هر روز به مطلبی و تعیین اوقات فراغت و خواب و صرف غذا و دیدار دوستان و جز اینها.
احتراز از پرداختن به کارهای زیانبار، چون باختن قمار، حتی برای سرگرمی و نیز پرهیز از اعتیادات دیگر.
نگهداشتن حساب دخل و خرج و ثبت ماهانه در دفاتر.

بر شمردن اعمال نیک و بد خود در پایان هر ماه با دادن نمره از یک تا صد به هر مورد.

مقید بودن به دادن جواب نامه‌ها و رفتن به بازدید آنان که به دیدار وی آمده‌اند. یاد کردن از نیکی اشخاص و هدایای آنان، به هر نوع، حتی از هدیه‌های کوچک یا کتاب و غیره در دفترهای یادداشت، با اسم و رسم نیکی‌کننده یا هدیه‌دهنده. ذکر خطای جزئی یا کلی که کرده است با نام و نشان و اظهار ندامت از آن، دور از ریا و تظاهر، چه منحصرأ در این یادداشتها عنوان شده است و پیداست که جنبه ظاهر فریبی ندارد و صادقانه است.

این بود شمه‌ای از آنچه نگارنده از خلال یادداشتها به دست آورد و البته در دوران تحصیلی، چه در متوسطه، آن هنگام که ایشان به عنوان وزیر فرهنگ به سرکشی دبیرستان ما در قزوین آمدند و به کلاس درس ما وارد شدند و شاگردان را مورد تشویق قرار دادند و چه در دانشکده ادبیات که ساعتی از محضر ایشان فایده معنوی می‌گرفتیم و نیز آن هنگام که ایشان مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجه را تأسیس کردند و نگارنده آنجا ساعتی به تدریس زبان و ادبیات فارسی اشتغال داشتم و مستفیض از محضر ایشان بودم، خاطراتی سواي آنچه نوشته شد دارم که مرا بر بیان خصوصیات و ذکر محامد ایشان دور از ریا و مجامله دل داد و توفیق بخشید.

در خاتمه بمناسبت نقل واقعه مربوط به ماه صفر سال ۱۳۲۶ هجری، پیش از شروع به نوشتن یادداشتهای روزانه^۱ ذکر این نکته را لازم می‌دانم که می‌پندارم همچنانکه از همان نوشته بر می‌آید گویا شادروان حکمت در نظر داشته است که مانند نیای مادری خود مرحوم فسانی مؤلف فارسنامه ناصری یا در دنباله آن کتاب وقایع نگاری کند و کتابی همانند قسم اول آن کتاب در مسائل و وقایع تاریخی و ادبی (نه جغرافیایی) بنگارد. البته از وقایع زمان خود و نیز از حوادث قرن یا دو قرن اخیر، که مکمل فارسنامه باشد.

قرینه این گمان دفاتری بود که وقتی در اختیارم قرار داشت و در آنها مطالبی تاریخی به قلم ایشان ثبت گشته بود. آن دفاتر و نیز دیگر دفاتر یادداشتهای ایشان که وصف آنها را بتفصیل در پیشگفتار مجلد اول رهاورد حکمت آورده‌ام اینک در اختیار من نیست و ظاهراً از تصرف صاحب آن دفاتر یعنی سرکار خانم پروین حکمت، دختر شادروان حکمت نیز خارج شده و به یغمارفته است، تا کجا و چگونه و با چه نیتی سر برآرد (اگر به در دکه عطاران پاره پاره نگشته و یا در کارخانه مقوا سازی خمیر نشده باشد). و یکی از آن دفترها که از آن رونوشت تهیه کرده بودم همین واقعه ماه صفر سال ۱۳۲۶ هجری قمری است که در آغاز یادداشتهای حاضر^۱ و در دنبال این پیشگفتار به چاپ رسیده است.

درباره این نوشته لازم می‌دانم توضیح دهم که نوشته‌های مرحوم حکمت همانگونه که قبلاً گفته شد و روش او در همه نوشته هاست، پیوسته آمیخته به ادب و حرمت‌نگهداریست و ندرتاً کلمات زشت نسبت به اشخاص، حتی دشمنان بر زبان قلم او جاری شده است. سرزنشها هم که گهگاه به افرادی دارد ناشی از سوء رفتار یا گفتار خود آنهاست.

با این توضیح خوانندگان گرامی در این نوشته ماه صفر که نقل شده است اگر سخنان درشت و نسبتهای ناملایم به افرادی ملاحظه فرمایند باید توجه داشته باشند که عبارات و کلمات نقل از راویان و یا ناظران بر وقایع و مسموع از دوست و دشمن است و ارتباطی به خود نویسنده و اعتقادات او ندارد و با نقل عباراتی از متن همان نوشته که مؤید این نظرست ختم کلام می‌کنم:

«اگرچه نگارنده و امثال او را جرأت حضور در آن مجلس می‌شوم نمی‌بود، اخبار متواتره کاذبه و صادقانه و مجهولات بسیار چنانکه رسم عوام است رواج داشت ولی این بنده شرمنده اصل حکایت را بعینه از ثقه رُواه، از آنهائیکه اطلاعات کامله داشته‌اند و تمام این قضیه را به رأی العین مشاهده فرموده‌اند استماع نموده می‌نگارد،

که این سطور مانند باطن عدالت خواهان از هر عیبی بری و از هر کذب و دروغی عاری باشد. وقایع نگار را از فرایض است و واجبات ذمت که هر چیزی را بدون تصور و تفکر ننگارد و تا یقین قطعی بر صحت آن خبر حاصل ننماید صفایح کتاب خود را از آن گونه اخبار مملو ننماید.

هر آن گفته ها کو بود ناصواب بسوزان به آتش بریزش به آب».

در خاتمه از آقای یکرنگیان مدیر انتشارات خجسته که تقبل هزینه طبع و نشر دو مجلد ره آغاز حکمت را کرده اند سپاسگزاری می نماید و نیز از خانم وامبخش که با دقت یادداشتهای مجلد دوم را تایپ کرده اند و از خانم اکرم سلطانی که بر آن مجلد و تهیه فهرس آن اهتمام و نظارت نمودند و از آقای نقی افشاری مدیر انتشارات حدیث امروز قزوین که در تایپ مجلد اول و این مقدمه مراقبت و اهتمام داشته اند متشکر است.

اصول و قواعدی را که شادروان حکمت سرمشق زندگانی خود قرار داده بود و بدان عمل می کرد و در دفتری که تاریخ ۱۳۳۲ قمری دارد، و تحت عنوان «دستور سعادت» نگاشته است، به دنبال این پیشگفتار برای آگاهی خوانندگان گرامی از کار و کردار و نیات ایشان نقل می کنیم.

تهران

دکتر سید محمد دبیر سیاقی

اسفند ماه ۱۳۸۳ شمسی